

هشدار به بحران آفرینان و قانون‌ستیزان

در آستانه انتخابات مجلس ششم

در آستانه انتخابات مجلس ششم بار دیگر موجی از تلاطم و جبهه‌گیری و تقابل‌های درونی خانه و خانمان برانداز، جامعه ایران را فرا گرفته است. محتوا و مضمون این تلاطم‌ها به گونه‌ای است که کیان کشورمان را به طور جدی تهدید می‌کند به طوری که هیچ کس نمی‌تواند نسبت به پیامدهای این مخاطرات بی‌توجه و بی‌اعتنا باشد.

در حالی که هنوز پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و جنایات کوی دانشگاه باز است و مردم معرفی و محاکمه جنایتکاران را انتظار می‌کشند، روزنامه‌های مستقل یکی پس از دیگری با شیوه‌های قانونی و فراقانونی، تعطیل می‌شوند و حادثه آفرینان هر روز موج جدیدی از تشنج بوجود می‌آورند و جامعه را به سرعت قطبی می‌کنند و به سوی تقابل می‌کشانند. آیا آمران و عاملان این تشنج‌ها فکر فردای کشور و عاقبت خود را می‌کنند؟

همه شواهد نشان می‌دهد که تمامت‌خواهان، بازندگان انتخابات ریاست جمهوری، منکرین حق حاکمیت مردم، مخالفین رکن جمهوریت نظام، مبلغین خط خشونت که تهاجم جدیدی را علیه حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و رئیس جمهور منتخب ملت آغاز و آهنگ تازه‌ای ساز و جبهه نوینی را باز کرده‌اند حاضر به رعایت قانونمندی‌های جامعه مدنی و حرکت در چارچوب‌های معین شده در قانون اساسی نیستند. در اینجا به مواردی از این تهاجمات اشاره می‌شود.

۱- بیانیه اخیر جامعه روحانیت مبارز علیه رئیس جمهور همگان را سخت شگفت‌زده کرده است. شگفتی از این که با حضور یک شخصیت روحانی برجسته در راس این سازمان سیاسی غیررسمی که در گذشته عموماً موقعیت پدران و فوق دسته‌بندی‌های سیاسی برای خود قایل بود، چرا باید به جای دعوت مردم به آرامش و اطاعت از قانون و رئیس جمهور و ارائه راه‌حل‌های کاربردی در ریشه‌یابی توطئه و تشنج، به جانبداری آشکار از مخالفین رئیس جمهور منتخب مردم بپردازد، مبلغین خشونت را حمایت کند و عملاً وارد دسته‌بندی‌های سیاسی شود. درست است که کاندیدای این جامعه در انتخابات ریاست جمهوری ناکام ماند اما مصالح کلان ملی را نباید قربانی منافع گروهی و صنفی نمود.

اگر چه دبیرکل محترم جامعه روحانیت مبارز به داشتن افکار و گرایش‌های محافظه‌کارانه شناخته شده‌اند، اما به مآل‌اندیشی و تساهل و تسامح با دگراندیشان نیز شهرت دارند. انتظار این است که ایشان برای رفع شبهات و خنثی کردن اثرات سوء این بیانیه مخرب توضیحات قانع‌کننده‌ای به مردم بدهند.

۲- همزمانی موج جدید جنجال‌های سیاسی و حادثه آفرینی علیه رئیس جمهور، تعطیل روزنامه‌ها،

ربودن گروه‌های جهانگردی در کرمان و بلوچستان با نامه تهدیدآمیز رئیس جمهور آمریکا به رئیس جمهور ایران و سفر رئیس جمهور اتریش به ایران و همراهانش و سفر قریب‌الوقوع وزیر امور خارجه انگلیس به ایران بسیار پرمعناست.

سیاست تنش‌زدایی آقای خاتمی در روابط بین‌المللی آرام آرام به ثمر می‌رسد و می‌رود تا جایگاه مناسب و ویژه‌ای برای ایران در جامعه جهانی به وجود آورد. طرح گفتگوی تمدن‌ها در برابر نظریه برخورد تمدن‌ها از سوی اکثریت قابل توجهی از جهانیان استقبال و پذیرفته شده است. در جهانی که قدرت‌ها و نیروهای قدرتمند معینی طبل میان تهی «ترس موهوم از اسلام» را می‌کوبند، استقبال جامعه جهانی از طرح گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند افتخاری برای ایرانیان و مسلمانان، و دارای پیامدهای مفید و ملموس برای جمهوری اسلامی باشد. یکی از ثمرات سیاست تنش‌زدایی، سفر رئیس جمهور اتریش در راس یک گروه بزرگ اقتصادی به ایران بود و این اولین سفر یک مقام بلند پایه اتحادیه اروپا به کشورمان بعد از پیروزی انقلاب است. درست در چنین شرایطی است که ناگهان جبهه جدیدی از تشنج‌آفرینی باز شده است.

۳- در وسط معرکه ضد اسلام در دنیا که مسلمانان را تروریست، بی‌رحم، خشن و فاقد استعداد درک و فهم عشق و محبت معرفی می‌نماید، و اسلام را دینی خشن و متکی به زور و شمشیر می‌داند، بر سر منابر و از بلندگوهای نماز جمعه، خطیبان رسمی اعمال خشونت را توجیه می‌کنند.

در دنیایی که مردمانش از جنگ و خشونت و آدم‌کشی خسته و فرسوده شده و تشنه عشق و محبت هستند، و عطر سرود برادری و عرفان و محبت از لابلای اشعار مولوی، بعد از ۷۰۰ سال، مشام جهان را معطر ساخته است و می‌رود تا دل‌ها را به نور اسلام روشن سازد، نظریه‌پردازان خشونت به دنبال چه چیزی هستند و حاصل کار آنها جز وهن اسلام و مسلمانان چیست؟

پیامد استفاده ابزاری از عاطفه و غیرت دینی عوام‌الناس برای مقاصد سیاسی و طرد رقبا و مخالفین، ریختن آب به آسیاب دشمنان ایران و اسلام است.

آن خطیبی که در گوش مردمان می‌خواند که اگر در بیابان هم کسی به مقدسات شما توهین کرد او را بکشید، آیا می‌تواند جامعه پیچیده کنونی را به یک جامعه بدوی و بیابانی تقلیل دهد؟ آن بزرگواری که با ذکر مثالی از یک حادثه در ۵۰ سال پیش، تعصب دینی مردمان را فرامی‌خواند تا با آهن پاره‌ای به جان مخالفین خود بیفتند و کشتن آنان را ثواب بدانند، جامعه را به تقابل و آشوب دعوت می‌کند. وقتی این بزرگواران این چنین بی‌پروا خشونت را توصیه می‌کنند از آن سردار نیروی انتظامی که داوطلب انجام چنین «فریضه» می‌شود و نیروهای تحت فرمان خود را به چنین عصیان‌آمیز دعوت می‌کند چه انتظاری می‌توان داشت؟

۴- نهضت آزادی ایران با هر گونه توهین به باورهای رایج مردم مخالف است. این شیوه‌ها نه تنها برای توسعه سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی جامعه مفید نیستند بلکه به شدت زیان‌بخشند. غوغاسالاری در هیچ شرایطی به نفع «حق» نیست و هر آن کس که خود را «حق» می‌داند، از تشنج و غوغاسالاری گریزان است. خداوند متعال مومنان را دعوت و امر می‌کند کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند سب نکنند، زیرا آنها نیز به جای نزدیک شدن به حق تحریک شده و متقابلاً به مقدسات و ارزشهای مسلمانان دشنام خواهند

داد. برحسب آموزش‌های قرآن معتقدات هر قومی برای خودشان زینت داده شده و مقدس محسوب می‌شود بنابراین برای تغییر آنچه برای کسانی زیبا نمی‌آید جز ارائه ارزش زیباتر هیچ کاری موثر نیست. از این منظر نهضت آزادی ایران مقاله کوتاه مندرج در نشریه داخلی دانشجویی موج را که موجب وهن مقدسات و باورهای دینی مردم مسلمان ایران شده است تقبیح می‌کند، اما گناه بزرگتر را کسانی مرتکب شده‌اند که با جنجال‌آفرینی، مطلب آن مقاله را به سطح ملی و بین‌المللی کشانیدند. واکنش محافل و مراکز مختلف سیاسی و اجتماعی و دینی هیچ تناسبی با این مقاله و تیراژ بسیار کم نشریه موج ندارد. شواهد و رفتار برخی از مراکز حادثه‌آفرین و تشنج‌طلب حاکی از آن است که احتمالاً رابطه‌ای میان این مراکز و چاپ آن مقاله وجود دارد. پیگیری این مطلب برعهده نیروهای امنیتی کشور است، زیرا جنجال بی‌تناسب کنونی به مصالح کلان ملی لطمه زده است و ادامه آن می‌تواند ضربه‌های جدی به کیان کشور وارد سازد.

۵- همزمان با امواج جدید خشونت‌خواهی و تهاجم گسترده علیه مطبوعات مستقل، آماده‌سازی زمینه برای حمله وسیع‌تر به حقوق ملت در آستانه انتخابات مجلس ششم است. فرایند تحولات سیاسی به گونه‌ای و در مسیری است که بی‌تردید ترکیب نمایندگان مجلس آینده را تغییر خواهد داد و این چیزی نیست که بتوان با تعطیل و بستن چند روزنامه جلوی آن را گرفت. مگر قبل از دوم خرداد ۷۶ روزنامه‌های مستقل وجود داشتند؟ مگر تمام امکانات در انحصار یک جریان خاص نبود؟ مگر از این امکانات و از تمام احساس و عاطفه دینی مردم برای وادار ساختن مردم به دادن رأی به کاندیدای معین استفاده نشد؟ آیا سودی در بر داشت و کارساز بود؟ تعطیل روزنامه‌ها نیز نه تنها موجب پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات مجلس ششم نخواهد شد، بلکه پیامدهای معکوس شدیدتری خواهد داشت و مردم را به اتخاذ شیوه‌های موثر دیگری به هنگام دادن رأی سوق خواهد داد.

۶- برای انتخابات مجلس ششم، دو جریان اصلی درون حاکمیت به مصاف با هم برخاسته‌اند. هر دو جریان درباره نتایج نهایی انتخابات دچار وهم و اغراق هستند. نیروهایی که خود را «جبهه دوم خرداد» می‌نامند، چنین تبلیغ می‌کنند که گویی محافظه‌کاران از مجلس ششم به کلی حذف خواهند شد. محافظه‌کاران نیز به راستی همین تصور و نگرانی را پیدا کرده‌اند در حالی که هر دو جریان در اشتباه هستند. جریان راست افراطی و محافظه‌کاران در انتخابات مجلس پنجم با وجود اعمال همه نوع محدودیت برای مخالفین خود و رد صلاحیت بسیاری از نیروهای مستقل، به خصوص نیروهای ملی - مذهبی، حداکثر یک سوم کرسی‌های مجلس را در دست دارند (حدود ۹۰ نماینده). در انتخابات ریاست جمهوری نیز حدود ۲۵ درصد آرا را به دست آوردند. در انتخابات مجلس ششم نیز به احتمال، با کمی اختلاف، ممکن است همین تعداد نماینده را به دست آورند. محافظه‌کاران ریشه‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارند. وجود و حضور آنان در صحنه سیاسی و ساختار قدرت اجتناب‌ناپذیر است. جریان اصلاح‌طلب درون و یا بیرون حاکمیت باید این وضعیت را بپذیرد و این تصور ذهنی را که می‌توانند محافظه‌کاران را به کلی از صحنه بیرون برانند فراموش کنند. از جانب دیگر حضور محافظه‌کاران برای توسعه سیاسی و تعادل پایدار ضروری است. بنابراین، هدف نباید حذف محافظه‌کاران، بلکه تغییر شیوه‌های عمل آنها باشد. محافظه‌کاران نیاز به فهم پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه کنونی دارند تا بتوانند به تناسب و به اقتضای شرایط کنونی سخن بگویند و عمل کنند. آنچه سخنگویان

برجسته و شناخته شده جریان محافظه‌کاران تا کنون گفته و عمل کرده‌اند هم به زیان خود آنان و هم به زیان مملکت بوده است.

به ضرورت حضور محافظه‌کاران باید از زاویه دیگری نیز پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تقابل میان سنت و مدرنیته ابعاد جدیدی به خود گرفته است. انقلاب اسلامی در عمق و بطن خود تعادل نیروهای اجتماعی را به نفع مدرنیته تغییر داده است. حضور فعال محافظه‌کاران و تغییر در روش‌ها و شیوه‌ها و قبول مقررات قانونمند تعامل میان نیروهای سیاسی، به این گروه امکان می‌دهد بر فرایند تحولات اجتناب‌ناپذیر به سوی مدرنیته و بومی کردن مفاهیم و مقولات بنیادین مدرنیته تاثیرات مثبت و مفیدی بر جای بگذارند.

هم جریان اصلاح‌طلب و هم محافظه‌کاران نمی‌توانند و نباید انتظار همه یا هیچ را داشته باشند. اساس توسعه سیاسی و جامعه مدنی بر قبول و تن در دادن به حضور همه نیروهای سیاسی و فکری و پذیرش اصول سازگاری اجتماعی و سیاسی است.

در چنین چارچوبی است که جهت حل معضلات و مشکلات و همفکری، هر دو جریان ناگزیر باید ضرورت حضور فعال نیروهای ملی - مذهبی را نیز بپذیرند. هر نوع تلاش برای حذف و یا نادیده انگاشتن این نیروها در نهایت بر فرایند توسعه سیاسی اثرات باز دارنده و منفی خواهد داشت.

جریان قدرتمند محافظه‌کاران باید به این واقعیت نیز توجه نماید که اگر به فرض بتواند با ایجاد تلاطم و ناآرامی زمینه‌ها را برای تعویق انتخابات یا ممانعت کامل از ورود سایر نیروها فراهم سازد، و یا در نهایت بتواند، همانطور که بعضی‌ها تبلیغ می‌کنند، رئیس‌جمهور را استیضاح کند و رأی به عدم کفایت سیاسی دهد و وی را عزل کند، که نمی‌تواند، چه چیزی را به دست خواهد آورد؟ آیا شرایط کنونی جامعه ما همانی است که در سالهای اول انقلاب بود؟ آیا روحیات و باورهای ۱۳ تا ۱۵ میلیون جوان ایرانی در سن ۱۶ تا ۲۵ سالگی همانند جوانان همین گروه سنی در دوران انقلاب است؟ آیا تناسب میان نیروها و تعامل میان آنها قابل مقایسه با آن دوران است؟ آیا روحانیت هنوز هم همان پایگاه مردمی را دارد؟

کشورمان دوران خاصی از تاریخ خود را می‌گذراند. عبور سالم از این مرحله و از این دوران حساس تاریخی بیش از هر زمان به فکر و تدبیر و همدلی نیاز دارد. آشوب‌طلبی، خشونت‌گرایی و حادثه‌آفرینی نه به نفع کشور است و نه مبلغان و آفرینندگان آن را سودی در بر خواهد داشت. برای یک دستمال قیصریه را آتش نزنید، سیل که بیاید همه را می‌برد.

نهضت آزادی ایران از سر دلسوزی و علاقه به کشور و ملت، همه نیروها را به سازگاری و قبول مقررات قانونی تبادل و تقابل سیاسی دعوت می‌کند. سازگاری به معنای سازشکاری نیست، بلکه قبول وجود حضور و فعالیت سایر نیروها است با حفظ همه باورها و پافشاری بر ارزش‌ها در چارچوب قانون اساسی.

اگر همه نیروهای قدرتمند و حاضر و فعال در حاکمیت و یا بیرون از حاکمیت، این توصیه‌های مشفقانه را نپذیرند، علاوه بر آن که هیچ کدام از جناح‌ها موفقیت چشمگیری نخواهند داشت، وفاق ملی حاصل از انتخابات ریاست جمهوری و حمایت مردم از برنامه‌های رئیس‌جمهور منتخب خود، از بین می‌رود و کشورمان با بن‌بست‌ها و تلاطم‌های غیرقابل کنترل و خانه و خانمان برانداز روبرو خواهد شد. در چنین

چارچوبی است که نهضت آزادی ایران از بیانات اخیر مقام رهبری در حمایت آشکار و موثر از رئیس جمهور و مخالفت صریح و آشکار با اقدامات خودسرانه برخی از عناصر خشونت طلب و فاصله گرفتن روشن از محافظه کاران استقبال نموده و آن را گام درستی در راستای کاهش تشنجات و خشونت‌ها ارزیابی می‌کند.

نهضت آزادی ایران